

اشتباهات غرب و چگونگی فروپاشی نظام در کشور ایجاد بحران از طریق مدیریت بحران و چگونگی وضعیت عملیاتی چالش‌های ساختارهای شبکه‌ی غیرمتمرکز مدل افغانی

مطرح بودن افغانستان بمتابۀ پرسش حیاتی و مهم
ترزیق پول بخورونمیر همانند تابلت خواب آور
عملکرد حاکمیت خودخوانده گروه "طالب" ها
"دموکراسی نوپا و متزلزل"

فروپاشی حکومت، فروپاشی دولت، اضمحلال یا سقوط اصطلاحاتی هستند که به منظور اشاره بشکست کامل نوعی از حکومت در یک کشور مستقل بکار می‌روند. گاهی اوقات فروپاشی بیک دولت در مانده مانند آنچه در سومالیا و دهه اخیر حکومت یوگوسلاویا پیش آمد، منتهی می‌گردد. غالبین بحض فروپاشی، فرآیند انتقال بدولت یا حکومت جدید بسرعت شکل می‌گیرند و خدمات اولیه نظیر جمع‌آوری مالیات، امور دفاعی، پولیس، خدمات مدنی و عدلی همچنان بکار خود ادامه خواهند داد، مانند آنچه پس از شکست اپارتاید در آفریقای جنوبی رخ داد. ممکن است فروپاشی دولت منجر به فروپاشی اقتصادی هم بشود فروپاشی حکومت الزامی همراه یا هم معنی با فروپاشی اجتماعی نیست، چون غالبین فروپاشی اجتماعی مانند آنچه هنگام سقوط امپراتوری روم غربی پیش آمد، فرآیند طولانی تری دارد. همه تلاش‌هایی که به منظور تغییر رژیم صورت می‌گیرند، سبب فروپاشی دولت نمی‌گردند. اعضای جامعه جهانی در مجموع نامیرا هستند. جامعه نامیرایان بی‌بیکد تراز جامعه فنا شونده‌گان است. متهم کردن تمام اعضای یک ملت، اشکالات اخلاقی دارد، چون این کار سبب می‌گردد اکثریت منفعل بخاطر جنایت‌های اقلیت مجرم دچار درد ورن شوند و نسل‌های آینده بخاطر جرم پدران شان عذاب بکشند. رژیم جدید، قدرت را از طریق حقیقتی که در اصول وعده‌هایش نهفته، بدست نمی‌آورند، بلکه آنرا با تکیه بر توانایی اش در جذب و سازمان‌دهی توده‌های بستوه آمده کسب می‌کند.

بر بنیاد برنامه از قبل تهیه شده، بساعت ۶ بجه ۲۱ دقیقه روز جمعه ۲۷ ماه اگست سال ۲۰۲۱ ترسایب مطابق ۵ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی، عملیات ناتودر کشور عزیز ما افغانستان به پایان رسیده و آخرین نماینده پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)، از مرز افغانستان - پاکستان عبور نمود. برای نخستین مراتبه، پس از ۲۰ سال، به حضور ناتودر کشور ما نقطه پایان گذاشته شد. بسیاری هاچنین می‌پندارند که نحوه فرآخواندن نظامیان امریکایی و ناتواز افغانستان و ترک سرزمین کشور ما، بگونه شایسته و بایسته ایی صورت نگرفت. آنها از هراس حوادث بعدی و چگونگی و نحوه عملکرد "طالب" ها، از هراس کسانی که ۲۰ سال قبل توسط نظامیان امریکایی سقوط داده شده بودند، جاخالی نموده، فرار را برقرار ترجیح داده و سرزمین کشور ما را ترک نمودند. بگفته شماری از نظامیان غربی، کشوری راکه بآنها اعتماد داشتند، ترک نموده و شهروندان افغانستان را در وضعیت موهوم و تیره و تاری، بآینده ایی غیر از آنچه بآنها وعده داده شده بود، رهأ نمودند. خروج غربی ها و فراخواندن نظامیان امریکایی و ناتو از اراضی متعلق بکشور عزیز ما می‌تواند بمتابۀ شکست تلقی گردد. با اینحال، در یک متن و زمینه گسترده تر، فراخواندن نظامیان یادشده از کشور عزیز ما بسلسله شکست های ایالات متحده از لبنان گرفته

تا "بهار عربی"، عراق، سومالیا و سوریه، افزوده شد. تمامی عملیات های مسلحانه در کشورهای یاد شده، بگونه نهایت بدی پایان پذیرفته و وضعیت عمومی در کشورهای مذکوره، بویژه پس از فراخواندن نظامیان خارجی، نا مطلوبتر از قبل گردید. امروز در میهن عزیز ما نیز با عین معضلاتی که ۲۰ سال قبل با آن مواجه بودند، همچنان دست و پنجه نرم می نمایند.

فروپاشی نظام در کشور حتی قبل از حوادث و وقایع ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی آغاز گردید. دولت و ساختار اجتماعی - اقتصادی افغانستان، بویژه در نتیجه موجودیت فساد گسترده در داخل کشور، موجودیت نهادهای ضعیف و اشتباهات سیاسی از جانب غرب، موارد منفی دیگری را عملن بیار آورد. درخواست های مکرر و پیهم از جانب رؤسای جمهور ایالات متحده و رهبران اروپایی در مورد فراخواندن نظامیان خارجی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما، "طالب" ها و حامیان آنها را باین پندار متقاعد نمود که در واقعیت امر، اصلن غرب فاقد اراده جمعی بمنظور دستیابی به توافق در زمینه یاد شده می باشد.

قابل یاد دهانی پنداشته میشود کامضای توافقتنامه مورخ ۱۰ ماه حوت سال ۱۳۹۸ میان ایالات متحده و طالب" ها که فراخواندن نظامیان خارجی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما را تضمین می نمود، بخودی خود، سبب ساز آغاز فروپاشی جمهوری اسلامی افغانستان گردید. توافقتنامه یاد شده جزو بحث های گسترده ای را سبب گردیده وبمثابه اقدام ویران کننده ای برای کشور ما محسوب گردیده که در نتیجه، تعیین تاریخ قطعی فراخواندن نظامیان خارجی از کشور ما، سیستم موجود در کشور را در حالت تعادل ناپایداری قرار داد. هم حاکمیت سیاسی و هم شهر و ندان کشور چنین پنداشتند که در قبال فعالیت ها و عملکردهای "طالب" ها، نظامیان افغان به تنهایی قادر به تداوم مبارزه و مقاومت نخواهند بود. تعامل یاد شده، در گام نخست بمثابه اقدام صلح آمیز پنداشته شد. اما نخستین امر مطرح در آن، عودت و خروج نظامیان خارجی از کشور ما درج گردید.

برخلاف عوامل دیگر، بدلیل لزوم خروج ایمن نظامیان خارجی از کشور ما آنهم در مدت زمانی نسبتن کوتاه، ایالات متحده در موفقی با طرح مسایل از نقطه ضف نسبی وارد مذاکرات گردید. نباید فراموش نمود که نتایج توافقات حاصله، در واقعیت امر، برای اصل موجودیت و بقای نظام سیاسی در کشور، نهایت ویران کننده بوده و نتایج مخربی در پی داشت که در نتیجه، بگونه قطعی، توازن قوا را بنفع "طالب" ها تغییر داده و از آنها جز تضمین خروج مطمئنانه و بدور از تهدیدهای تروریستی کآنهم بیشتر خیالی بود تا واقعی، در هیچ مورد دیگر خواستی از آنها مطا لبه نگردید. توافقتنامه یاد شده هم برای "طالب" ها و هم برای شهروندان کشور بمثابه بازگوی این واقعیت تلقی گردید کایالات متحده و غرب در مجموع، بگونه کلی از نداشتن و عدم موجودیت عزم قاطع و صبر و استقامت ستراتیژیک، به سحتی در رنج و عذاب بوده و قادر نمی باشند تا اقدامات آغاز شده در سپیده دم سده ۲۱ در کشور ما را بسر انجام رسانیده و در تطبیق و اجرای عملی برنامه های صلح آمیز در میهن ما نیز کوتاه آمدند. در این زمینه، اعلامیه ۲۵ ماه حمل سال ۱۴۰۰ در مورد تصمیم جو بایدن مبنی بر فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، نقطه پایان گذاشت.

در امتداد فاصله زمانی نخستین اعلام در مورد فراخواندن نظامیان امریکایی در ماه دلو سال ۱۳۹۸ و تأیید تاریخ یاد شده توسط اداره جدید و اشنگتن در سال ۱۴۰۰، نحوه افکار و طرز دید و نگاه افغان های همکار، در قبال ایالات متحده و ناتو دستخوش تحول و تغییر گردیده و سبب گردید تا نظامیان خارجی را بعوض دوستان، بمثابه شرکای غیر قابل اعتمادی بحساب آورند.

در امتداد ماه سرطان سال ۱۴۰۰، "طالب" ها با اعتماد بنفس بیشتری به حملات تعرضی آغاز نموده و بر بنیاد گزرا رش های خبرنگاران، بگونه چشمگیری، بخش هایی از کشور را یکی پس از دیگری متصرف گردیدند. بتاريخ ۴ ماه اسد سال یاد شده، جنگجویان "طالب" از تعداد مجموعی ۴۱۲ ولسوالی کشور، بتعداد ۹۹ واحد اداری را نیز متصرف گردیدند. بتاريخ ۲۳ ماه اسد، جنگجویان یاد شده بر ۲۱۸ ولسوالی حاکم گردیدند. آنها بر بنیاد فیصله "شورای کویته" بمثابه عالی ترین مقام تصمیمگیری "طالب" ها، مدت چندین شبانه روز در اطراف واکنا ف کابل جابجا شده و منتظر ورود رهبران شان از کندهار به شهر کابل و تعامل و انجام معامله هایی با طرف مقابل گردیدند.

با وجود اینهمه، این واقعیت حتی در مخیله شخصیت های رسمی غربی نیز خطور نمی نمود که رهبری حاکمیت افغانی باین زودی ها از کابل فرار نمایند. در واقع، یادداشتی آنهم پس از توافق و هماهنگی شورای امنیت ملی ایالات متحده با علامه "فقط استفاده محدود" تهیه شده بود که بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ از طریق وسایل اطلاعات

همگانی نیز بنشر رسید که در واقعیت امر ترسیم کننده آمادگی های بهت آور و اشنگتن در مورد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان محسوب می گردید.

همچنان بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰، بدلیل نبود ضمانتی از جانب امریکایی ها در مورد حفظ امنیت کابل، حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی کشور با تأیید و توافق عبدالله، رئیس پیشین شورای عالی مصالحه ملی، از "طالب" ها تقاضا بعمل آمد تا وارد شهر گردیده و شهروندان کابل را مورد حمایت قراردادده و از ایجاد هرج و مرج در کشور خودداری بعمل آورند.

اگرچنین ادعا گردد که فراخواندن نظامیان خارجی از کشور ما بگونه بی بند وباری انجام پذیرفت، سخنی بگزاره گفته نشده است. طراحان برنامه های تدوین شده در دول کشورهای مختلف بشمول اداره و اشنگتن، با واقعیت ها بی کاصلن منتظر آن نبودند، مواجه گردیدند، باین معنا که فروپاشی جمهوریت در اواسط ماه اسد، بوضاحت نشاندهنده عدم آمادگی در قبال انکشاف اوضاع محسوب گردید.

همانگونه کاغذین اتفاق می افتد، میان واقعگرایی سرویس های اطلاعاتی و قوت های مسلح از یکجانب و از جانب دیگر، وضعیتی که در سطح سیاسی به تصویر کشیده می شود، ناهماهنگی هایی بوجود آمد. بتاريخ ۱۷ ماه سر طان سال پار، جو بایدن اظهار نمود که فروپاشی حاکمیت سیاسی در افغانستان بعید بنظر می رسد. اما در چنین وضعیتی، متحدین نظامی از مخفی نگهداشتن این واقعیت ابا ورزیدند که دولت افغانستان بگونه ای متزلزل شده و قوت های مسلح کشور نیز در وضعیتی قرار ندارند تا بانجام عملیات مسلحانه تداوم بخشند. هشدارهای یادشده هم در گوشه های رهبری ایالات متحده و هم پیمانانش در کشور ما ظنین انداز شده و سبب واکنش های مختلف در زمینه گردید. و اشنگتن بر ضرورت خروج و فراخواندن نظامیان امریکایی اصرار ورزیده و اما دیگران بر تجدید نظر مسأله یادشده و بررسی شرایط و وضعیت و تعیین موعد در زمینه پافشاری می نمودند.

در همین حال، باز دحام جمعیت شهروندان کشور در میدان هوایی کابل، لحظه به لحظه افزوده شده و بگونه غیر قابل پیشبینی از کنترل خارج گردیده و هرج و مرج فزاینده ای در حال شکل گیری بود. بخش هایی از نظامیان کشور از صحنه غایب گردیده و "طالب" ها هنوز هم به بخش نظامی میدان هوایی وارد نگردیده بودند. اما زمانی که آنها وارد آنجا گردیدند، همه باین واقعیت معترف شدند که وضعیت موجود، نه بدلیل اقدامات تنظیم شده، بلکه بدلیل شلیک های هوایی توسط "طالب" ها تکوین پذیرفت.

این آشفتگی زمانی با وجش رسید که هیچکس از حوادثی که در آنسوی حصار (در میدان هوایی)، بوقوع می پیوست، کوچکترین اطلاعی نداشته و از مدت زمان تداوم و چگونگی عملیاتی که در و اشنگتن برنامه ریزی و در کابل اجرا می گردید، نیز بی خبر بودند. امریکایی ها در کابل با معضلات گوناگونی دست و پنجه نرم نموده و بیش از همه، در امر تدوین و اجرای برنامه های تخلیه تلاش می نمودند.

هوآپیماهای کشورهای مختلفی از منطقه خلیج تا پاکستان و کشورهای همجوار افغانستان منتظر مسافرانی بودند که نتوانسته بودند از طریق میدان هوایی کابل تخلیه گردند. قوت های مسلح کشور، کلیه امکانات موجود در زمینه را در مورد یادشده بکار بستند، اما هوآپیماهایی بشمول هوآپیماهای امریکایی بگونه تقریبی خالی و یا نیمه خالی از زمین بهوا برخاستند.

در پایگاه های امریکایی واقع در خلیج باعجله با ایجاد اردوگاهایی برای مهاجران تخلیه شده مبادرت بعمل آمد، جایی که افراد و اشخاص تخلیه شده در اتاق های موقت با موجودیت هوای نهایت گرمی نگهداری می شدند.

اما قابل یاددهانی پنداشته می شود که بتاريخ ۲۴ ماه اسد سال روان، جلسه هماهنگی با حضور سفرای کشورهای خارجی و فرماندهان نظامی تمامی کشورهای ذیدخل در مسایل مربوط بکشور ما و نماینده هایی از سازمان ملل در میدان هوایی کابل تشکیل گردید. از همین موقع، ملاقات و گفتگوهای منظمی میان امریکایی ها و انگلیس ها انجام پذیرفته و ادعا گردید که رها نمودن آنده از افغان هایی که سال ها با آنها همکاری بودند، منصفانه نخواهد بود.

قرار بود همه مسایل و سایر موارد بگونه گفته آمده انجام پذیرفته و در مورد، نیاز به پاسخ دیگری باین پرسش اصلن مطرح نگردد، اما پایان مداخله غرب در کشور عزیز ما افغانستان، جاگزین مرحله نهایی یک سلسله از ماجراجویی ناموفق غرب می شود که در ابتدا تقریبی بهمین شکل پایان پذیرفت. از روزگار ویتنام بعید، همیشه سرنوشت مداخله غرب در کشورهای مستقل نیز چنین بوده است.

شنبه ۳۰ ماه میزان سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۲۲ ماه اکتوبر سال ۲۰۲۲ ترسایی